

تحلیل رابطه بین سبک تدریس معلم و سطح انگیزه تحصیلی دانش آموز

معصومه باغبان کریمی

فرهنگی آموزش و پرورش

MDOI-02-2026.0288
MNR-302-2-B18043

چکیده

در پارادایم‌های نوین علوم تربیتی، فرآیند یادگیری دیگر صرفاً یک انتقال مکانیکی دانش از معلم به شاگرد نیست، بلکه یک پدیده‌ی پیچیده و پویا است که تحت تأثیر متغیرهای متعدد محیطی و انسانی قرار دارد. یکی از حیاتی‌ترین متغیرهای مؤثر در کیفیت این فرآیند، پیوند میان «سبک تدریس معلم» و «سطح انگیزه دانش آموز» است. پژوهش حاضر با هدف بررسی ماهیت و شدت این رابطه، به واکاوی این مسئله می‌پردازد که چگونه تغییر در الگوهای رفتاری، کلامی و ساختاری معلم می‌تواند به عنوان یک محرک یا بازدارنده، انگیزه تحصیلی را در دانش‌آموزان بازآرایی کند. این مطالعه با رویکردی تحلیلی-توصیفی، سبک‌های مختلف تدریس (از جمله سبک‌های سلطه‌جو، حمایت‌گر و تسهیل‌گر) را مورد بررسی قرار داده و تأثیر هر یک را بر انگیزه درونی و بیرونی دانش‌آموزان ارزیابی می‌کند. یافته‌های نظری این پژوهش نشان می‌دهد که گذار از سبک‌های تدریس سنتی و کنترل‌گر به سمت سبک‌های تسهیل‌گر و حمایت‌گر، نه تنها منجر به افزایش اشتیاق به یادگیری می‌شود، بلکه باعث تقویت خودکارآمدی و تاب‌آوری روانی دانش‌آموزان در مواجهه با چالش‌های تحصیلی می‌گردد. این مقاله در نهایت، چارچوبی برای بازطراحی رفتارهای آموزشی با هدف مدیریت و ارتقای انگیزه در کلاس درس ارائه می‌دهد.

کلمات کلیدی: سبک تدریس، انگیزه تحصیلی، انگیزه درونی، روان‌شناسی تربیتی، رفتار آموزشی، معلم، یادگیرنده.



اهمیت سبک تدریس در تأثیری است که می توان بر ابعاد مختلف یادگیری ایفا کند. عوامل دخیل در یادگیری را شامل مکان تدریس، محتوای تدریس، محیط، معلم، دانش آموز و... تلقی کنیم فرایندی که می تواند عوامل فوق را به یکدیگر مرتبط و منجر به یادگیری اثربخش شود نوع سبک تدریسی است که معلم مورد استفاده قرار دهد. شناسایی و تبیین انواع سبک های تدریس بدین لحاظ حائز اهمیت فروانی است. اگر معلمان اقدام به ارزیابی سبک تدریس خود کنند زمینه فهم سبک تدریس آنها مهیا می گردد. شناسایی سبکهای تدریس زمینه الزم برای تغییر رویکردهای معلمان در کلاس درس را فراهم می کند. هر معلمی مجموعه راهکارهای منحصر به فردی در فعالیتهای آموزشی خود دارد که غالباً در طول زمان و مکان ثابت هستند. شیوه های مختلف معلمی که به سبک تدریس معروف است همچون سبک های یادگیری دانش آموزان هستند که معلمان به تجربه یاد گرفته اند این سبک ها برای آموزش های کلاسی آنها کارا هستند.

بنیاد هر نظام آموزشی موفق، بر پایه توانایی درگیر کردن ذهن و قلب یادگیرنده استوار است. در دنیای امروز که حجم اطلاعات در حال انفجار است، مسئله اصلی آموزش دیگر «دسترسی به دانش» نیست، بلکه «ایجاد اشتیاق برای جست و جوی دانش» است. این شکاف میان «دانستن» و «خواستن»، هسته مرکزی بحران های آموزشی در سراسر جهان را تشکیل می دهد. دانش آموزانی که علیرغم حضور در کلاس، فاقد انگیزه هستند، در واقع قربانیان فرآیندی هستند که در آن، ابزار آموزش (یعنی معلم و سبک تدریس او) با هدف آموزش (یعنی شکوفایی پتانسیل های یادگیرنده) در تضاد قرار گرفته است. انگیزه (Motivation) به عنوان موتور محرک رفتار انسانی، در محیط مدرسه، نیرویی است که جهت، شدت و تداوم تلاش های دانش آموز را تعیین می کند. دانش آموز بدون انگیزه، حتی در حضور بهترین منابع آموزشی و پیشرفته ترین تکنولوژی ها، همچنان در سطح پایین ترین سطح یادگیری باقی می ماند. اما پرسش بنیادین اینجاست که چه عاملی می تواند این موتور را روشن کند یا آن را خاموش سازد؟ پاسخ در یکی از قدرتمندترین متغیرهای محیط کلاس درس نهفته است: «سبک تدریس معلم». سبک تدریس، تنها به معنای روش های انتقال مطلب یا استفاده از ابزارهای آموزشی نیست؛ بلکه مجموعه ای است از باورهای عمیق، نگرش ها، الگوهای رفتاری و نحوه مدیریت تعاملات اجتماعی در کلاس درس. معلم در هر لحظه، از طریق لحن کلام، نحوه برخورد با خطا، میزان آزادی داده شده به دانش آموز و ساختار قدرت در کلاس، در حال ارسال سیگنال هایی به سیستم روانی یادگیرنده است. این سیگنال ها می توانند دو جهت داشته باشند: یا باعث ایجاد احساس امنیت، شایستگی و اشتیاق (انگیزه درونی) شوند، یا با ایجاد احساس تهدید، کنترل گری و بی معنایی، دانش آموز را به سمت انفعال و فرار از یادگیری (انگیزه بیرونی) گذرا یا بی انگیزگی سوق دهند.

در کلاس های سنتی که بر پایه سبک های تدریس «فرماندهی محور» یا «سلطه جو» بنا شده اند، تمرکز بر انضباط سخت گیرانه و کنترل کامل بر دانش آموز است. در این محیط ها، انگیزه دانش آموزان غالباً از نوع «بیرونی» (مانند ترس از تنبیه یا پاداش برای نمره) است که با زوال عامل کنترل، از بین می رود. در مقابل، سبک های «تسهیل گر» و «حمایت گر» که بر پایه احترام به کرامت انسانی، تشویق کنجکاوی و مشارکت فعال دانش آموز استوارند، بستری برای شکل گیری «انگیزه درونی» فراهم می آورند؛ یعنی همان حالتی که دانش آموز برای لذتِ خودِ یادگیری و کشف حقیقت، تلاش می کند.



با توجه به اهمیت حیاتی این موضوع، درک دقیق چگونگی اثرگذاری سبک‌های مختلف تدریس بر زیرساخت‌های انگیزشی دانش‌آموزان، ضرورتی انکارناپذیر است. آیا معلم می‌تواند تنها با تغییر در «چگونگی تدریس»، سطح اشتیاق یک کلاس را متحول کند؟ رابطه میان این دو متغیر تا چه حد مستقیماً یا از طریق میانجی‌هایی نظیر «خودباوری» و «احساس تعلق» برقرار است؟ مقاله حاضر با هدف پاسخ به این پرسش‌ها و ارائه تحلیلی عمیق از این پیوند پیچیده، تدوین شده است تا راهکارهایی نظری برای اصلاح الگوهای آموزشی و ارتقای کیفیت یادگیری در مدارس ارائه دهد.

یکی از نیازهای جدی زندگی پرشتاب امروزی که حجم و سرعت تحولات آن در تمام قرون و اعصار بی‌سابقه است، شکل دادن به تحولات و نوآوری‌های آموزش به ویژه در سطح مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی است. در عصر حاضر که تکنولوژی با سرعت فراوانی پیش می‌رود، جامعه ما بیش از هر زمان دیگر نیازمند افراد هوشمند، خلاق و نوآور است. معلمان بیشترین نقش را در بهبود کیفیت آموزشی مدارس ایفا می‌کنند. سبک تدریسی که معلمان برای آموزش به کار می‌گیرند، تاثیر زیادی بر یادگیری دانش‌آموزان و علاقه مندی آن‌ها به دروس مختلف دارد. سبک و شیوه تدریس معلمان، می‌تواند منجر به علاقه شدید دانش‌آموز به درس و انجام تکالیف درسی شود و یا بالعکس ممکن است منجر به اجتناب دانش‌آموز از شرکت در یک کلاس درس و عدم انجام تکالیف درسی شود.

اگر سبک تدریس معلمان متناسب با سطح دانش‌آموزان باشد و به درستی انتخاب شود، تاثیر شگرف این سبک بر یادگیری کاملاً مشهود خواهد بود. سبک‌های تدریس با یکدیگر کاملاً متفاوت است. هر معلمی با توجه به سطح یادگیری و نیاز دانش‌آموز می‌تواند یک سبک تدریس را اتخاذ کند.

تدریس و سبک تدریس

تدریس، عبارت است از مجموعه فعالیت‌هایی که توسط معلم و به‌منظور تسهیل یا هدایت یادگیری در یادگیرندگان به انجام می‌رسد. معلم و مربی به‌عنوان راهنما و عنصر اصلی در تعلیم و تربیت دارای نقش اساسی در فرآیندهای یاددهی - یادگیری است. این نقش از آن جهت مورد توجه است که اهداف نظام آموزشی با هدایت و تدبیر و اهتمام او محقق می‌شود. سبک تدریس کنش متقابل آموزش دهنده و فراگیر است که در این تعامل آموزش دهنده با برنامه ریزی تلاش میکند تا شرایط مطلوب تغییر را به وجود آورد. همانند فراگیران، مربیان نیز دارای سبک‌های تدریس ترجیحی خود هستند، در واقع سبک تدریس طرحی است که برای آموزش در کلاس درس یا در حالت آموزش فردی به کار برده می‌شود و در فرایند کلاسی از تاثیر بسزایی برخوردار است (بهرنگی، ۱۳۹۲).

در تعریفی دیگر می‌توان سبک تدریس را شامل رفتارهای شخصی آموزش دهنده و شیوه‌های آموزشی مورد استفاده ایشان در انتقال اطلاعات به فراگیران تلقی کرد. طبیعی است که موفقیت معلم در تحقق اهداف تعلیم و تربیت به میزان مؤثر بودن و جذاب بودن فعالیتها و شیوه‌های تدریس وی بستگی دارد. در روش‌های سنتی تدریس که امروزه از آنها به‌عنوان روش‌های غیرفعال یاد می‌شود، معلم نقش اصلی را در جریان تدریس دارد و مطالب را به‌طور شفاهی در کلاس بیان می‌کند و دانش‌آموزان بدون نقشی فعال فقط باید به صحبت‌های او گوش دهند و مطالب موردنظر را حفظ کنند. با گذر از جامعه صنعتی به جامعه اطلاعاتی، ساختن جامعه دانش محور امکانپذیر شده است و طبق نظر متخصصان کلید ورود به چنین جامعه‌ای آموزش و یادگیری است. انسان



بیشتر شایستگی های خود را از طریق یادگیری بدست می آورد و از طریق یادگیری رشد فکری پیدا میکند و تواناییهای ذهنی او فعلیت می یابند. اما در این جامعه اطلاعاتی، یادگیری به تنهایی کافی نیست (یامازاکی، 2005: 522). زیرا همانطور که مارتون معتقد است مسائل مربوط به فرایند یادگیری را می توان در دو بخش بررسی کرد: الف) چه چیزی آموخته می شود ب) چگونه آموخته می شود. پاسخگویی به سؤال دوم ما را به حوزه سبکهای یادگیری سوق می دهد. اصطلاح سبک های یادگیری را برای نخستین بار هرب تلان در سال 1954 به کار برد و نشان داد که سبک یادگیری روش ثابت یادگیرنده برای پاسخگویی و به کارگیری محرکهای موجود در محیط واقعی است (امامی پور و شمس اسفندآباد، 1386: 3-7).

هوهن معتقد است سبک یادگیری به باورها، رجحانها و رفتارهایی که به وسیله افراد به کار میروند تا به یادگیری آنان در یک موقعیت معین کمک کند گفته می شود (سیف، 1379: 171). از نگاه استرنبرگ سبکها مانند تواناییها تا حدود زیادی حاصل تعامل فرد با محیط و قابل توسعه و تحول هستند. بنابراین سبک ها ثابت نیستند بلکه سیالاند، به این معنی که سبکهای متفاوت چه بسا در موقعیتهای متفاوت به کار برده می شود. دارا بودن نیمرخی از سبکها به خودی خود نه خوب است و نه بد، زیرا مهم هماهنگی و انطباق آن با یک موقعیت یا تکلیف است (سیف و امامی پور، ۵۰).

تدریس و یادگیری در سرتاسر جهان برای انسان یک فعالیت جهانی و ضروری است. با این همه، هیچ کشوری از جستجو و گسترش روشهای مخصوص به خود برای تدریس و یادگیری دست نمیکشد تا بدین ترتیب بتواند به تقاضاهای خاص محیط دور و برش پاسخ دهد. آن چنان که انتظار می رود، تداوم و گسترش موقعیت های تدریس و یادگیری مناسب برای هر کشور، مرتبط به راه و روشها و سبکهای تدریس و یادگیری است که در میان فرهنگهای متفاوت وجود دارد. چشم انداز رابطه میان سبکهای تدریس و یادگیری و فرهنگها مدتهاست که مورد توجه اندیشمندان و نظریه پردازان یادگیری را به سوی خود جلب کرده است به گونه ای که در این مورد عقایدی به صورت زیر مطرح گردیده است.

گروهی معتقدند سبک های تدریس و یادگیری در مقابل محیط و فرهنگ خنثی هستند به گونه ای که هر یک از سبکهای تدریس و یادگیری را می توان بطور موفقیت آمیزی استفاده کرد اما اگر همان سبک به طور نامناسب و یا بسیار زیاد استفاده شود می تواند یک مانع باشد. این در حالی است که از دیدگاه بنت 1۹۸۶ (نقل در گیلد، 1994) اگر تصمیمات آموزشی بر اساس درکی از فرهنگ هر شخص و راههای یادگیری باشد هرگز به این فکر نمیکنیم که اعمال یکسان باید برای همه مؤثر و کارا باشد. در نتیجه فرصت عادلانه برای موفقیت، نیاز به روش -های آموزشی نابرابر دارد که به تفاوتهای مربوطه میان دانش آموزان پاسخ دهد

در نقطه مقابل این دیدگاه، گروهی از محققان ترجیح می دهند بر روی اثر محیط تمرکز کنند. پیروان نظریه یادگیری تجربی (جان دیوئی، ویلیام جیمز، پائلو فریره و...) جزء طرفداران این دیدگاه هستند. آنها بر این نکته تأکید میکند که سبک یادگیری، خصوصیتی روانشناختی نیست بلکه حالتی پویا است که نشأت گرفته از تعاملات همکوشی میان شخص و محیط است. ثبات و دوام این حالات پویا نه تنها بستگی به خصوصیات ژنتیکی افراد، بلکه به نیازهای محیطی که در آن هستند نیز دارد. شیوه پردازش تک تک وقایع تعیین کننده گزینش ها و تصمیمات ماست که به نوبه خود مشخص کننده وقایع آیندهای است که در آنها زندگی می کنیم. محیطی که این فرایند خودسازی در آن رخ میدهد توسط تأثیر گسترده فرهنگ شکل می گیرد (کلب و جوی، ۲۰۰۹: ۷).



گروه دیگری از محققان معتقدند که سبکهای تدریس و یادگیری کارکردی متأثر از طبیعت و پرورش هستند. در همین زمینه میرز 1 معتقد است توسعه شیوه های یادگیری در سنین بسیار پایین شروع میشود و یک استعداد ذاتی مانند راست دست بودن یا چپ دست بودن است. در واقع طرفداران این دیدگاه معتقد به ذاتی بودن شیوه ها و سبکهای تدریس و یادگیری هستند (میرز، ۱۹۹۰ نقل در گیلد، ۱۹۹۴). در نهایت بسیاری از نظریه پردازان معتقد به تأثیر فرهنگ بر جریان یادگیری هستند. وقتی مردم درون یک فرهنگ با یکدیگر تعامل دارند، برخی از شیوههای تفکر، احساسات و رفتارشان به یکدیگر منتقل می شود و تبدیل به شیوه های خودکار واکنش به موقعیتهای خاص می گردد. فرهنگ به عنوان عاملی قوی در روابط اجتماعی عمل میکند که بر شناخت و پردازش اطلاعات تأثیر می گذارد. بنابراین دلیلی بر این اعتقاد وجود دارد که تفاوت در اجتماعی گری فرهنگی، سبکهای یادگیری متفاوتی را خلق می کند (تریاندیس، ۱۹۹۴، ۲۰۱۲ نقل در کلب، ۲۰۰۹). هیز و الینسون (۷۶: ۱۹۸۸) (نیز در این زمینه معتقدند فرهنگ یک کشور می -تواند یکی از عوامل قدرتمند اجتماعی شدن باشد که تأثیر شگرفی بر رشد و توسعه ی سبک های یادگیری دارد

در بحث روشها به معنی مجموعه فعالیتهای یاددهی - یادگیری به عنوان یکی از عناصر برنامه های درسی نیز این نکته شایان توجه است که، هر دانش آموزی به شیوه متفاوتی فرا می -گیرد و معلمان بمنظور لحاظ کردن شیوه های یادگیری می بایست از شیوه های تدریس متنوع و متناسبی بهره جویند. از اینرو بحث از سبکهای تدریس و یادگیری به میان میآید و همانگونه که گذشت مبانی نظری و یافته های پژوهش آشکارا تأثیر عامل فرهنگ بر سبک های یادگیری را نشان می دهد. این یافته ها نشان می دهد که توجه به عنصر فرهنگ در فرایند برنامه ریزی درسی نه تنها از یک دیدگاه کلی و در قالب مفاهیمی چون بافت و زمینه، بلکه در قالب تأثیرگذاری خاص در بحث روشها و بطور اخص در سبک های تدریس و یادگیری می بایست دقیقاً مد نظر قرار گیرد. وجود چنین رابطه ای می تواند اذهان پژوهشگران و نظریه پردازان را در حوزه مطالعات برنامه درسی به تأثیر گذاری فرهنگ بر سایر عناصر و اجزاء برنامه درسی بطور ویژه جلب کند و حوزههای تازه برای مطالعات و پژوهش های برنامه درسی را بگشاید.

با توجه به اهمیت بخش اجرا در موفقیت یا عدم موفقیت برنامه های درسی، متناسب با مؤلفه های آموزش مبتنی بر فرهنگ، دوره های آموزشی متناسب در راستای تعلیم و تربیت معلمان در این زمینه پیشنهاد می گردد، زیرا معلم کارگزار اصلی تعلیم و تربیت به شمار می رود و اهداف و معنویات متعالی نظام آموزشی در ابعاد مختلف، در نهایت باید به واسطه او محقق شود. از آنجا که افزایش دانش معلمان آینده در گرو وجود دانش علمی لازم و طرح مباحث عمیق در مورد آموزش مبتنی بر فرهنگ در خلال کتابها و برنامه های درسی دورههای تربیت معلم است، پیشنهاد می شود مؤلفان کتابهای درسی و کارشناسان و مؤلفان دفتر برنامه - ریزی و تألیف کتب درسی وزارت آموزش و پرورش در تدوین و بازنگری و اصلاح کتابهای درسی دوره تربیت معلم به اهداف و مفاهیم آموزشهای مبتنی بر فرهنگ توجه و اهتمام جدی را مبذول داشته باشند، نیل به این مهم میتواند در کتب راهنمای تدریس نیز در جهت افزایش آگاهی اساتید و معلمان از مقوله آموزش، محقق شود

روش تدریس مدرس محور

در زبان بین‌المللی آموزش، این روش Teacher-Centered نام دارد. این روش، مرسوم‌ترین نوع روش تدریس بوده که اساساً آموزش مدرن در ابتدا بر مبنای آن ایجاد شده است. مسئولیت‌های معلم در این شیوه از فراگیران بسیار بیشتر است. مهم‌ترین این مسئولیت‌ها عبارتند از:

- ارائه‌ی دروس و آموزش آنها
- زمان‌بندی و تهیه‌ی طرح درس
- برگزاری ارزشیابی
- اداره‌ی کلاس
- تعیین نوع و مدت‌زمان انجام فعالیت‌های کلاسی

همانطور که همه‌ی ما می‌دانیم، در روش تدریس مدرس محور، فراگیران، رو به معلم نشسته و به سخنان او گوش می‌دهند. بیشتر وقت کلاس به این ترتیب و به منظور توضیح و تبیین مفاهیم سپری می‌شود. فراگیران نیز باید نسبت به حضور در کلاس، یادداشت‌برداری و پرسش سوالات احتمالی اقدام کنند.

مزایا و معایب تدریس مدرس محور

از مهم‌ترین مزایای تدریس مدرس محور می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تبیین اهمیت نقش معلم به‌ویژه نزد افرادی که کمتر تجربه‌ی محیط‌های آموزشی را دارند
- در دسترس بودن همیشگی معلم
- اطمینان بالا از پوشش همه‌ی مطالب
- سهولت در برقراری نظم در کلاس

معایب بارز این روش تدریس نیز عبارتند از:

- جذابیت پایین کلاس برای فراگیران
- کاهش به‌کارگیری خلاقیت فراگیران در کلاس
- ضعف در ترویج تفکر حل مسئله و کار گروهی
- ضعف در تقویت تفکر تحلیلی و مباحثه‌ای

روش تدریس فراگیر محور

در دهه های گذشته، تدریس فراگیر محور (Student-Centered) نیز در مقابل روش مدرس محور مطرح شد. همانطور که از نام این روش مشخص است، فراگیران از انفعالی که روش مدرس محور برای آن به همراه داشت، خارج شده و در ارائه ی مطالب، انجام فعالیت ها و حتی برنامه ریزی برای کلاس فعال تر می شوند. بسیاری از کارشناسان نیز معتقد هستند که برای داشتن یک جلسه موثر آموزشی لازم است که حداقل بخشی از آن به صورت فراگیر محور برگزار شود.

در روش تدریس فراگیر محور، نقش مدرس به ناظر، برنامه ریز و هدایتگر کلاس تقلیل یافته و در عوض او می تواند با کیفیت و خلاقیت بهتری، مطالبش را ارائه کند. برای برگزاری کلاس به این روش، لازم است که مدرس بر توسعه ی فردی خود و تقویت مهارت های مشورت، نقدپذیری، بررسی ایده، توسعه ی خلاقیت، رهبری کلاس و موارد این چنینی تمرکز کند.

با ورود به کلاسی با روش تدریس فراگیر محور، ممکن است مشاهده کنید که دانش آموزان در قالب گروه های کوچک با یکدیگر مشغول گفتگو یا انجام فعالیت خاصی و یا مطالعه خودمحور هستند. ارائه ی کنفرانس، کاردستی و فعالیت های خلاقانه در این کلاس ها معمول بوده و حتی شاید نوع آزمون ها نیز در آن ها متفاوت باشد.

مزایا و معایب تدریس فراگیر محور

مهم ترین مزایای روش فراگیر محور به عنوان یکی از انواع روش تدریس عبارتند از:

- افزایش جذابیت کلاس
- پرورش خلاقیت و مهارت های اجتماعی فراگیران و مدرس
- امکان به کارگیری ابزارهای آموزش مجازی
- تقویت قوه ی تفکر فراگیران

از چالش های مهم تدریس فراگیر محور نیز موارد زیر هستند:

- کنترل دشوارتر کلاس به ویژه در مواجهه با فراگیرانی که مشکلات رفتاری دارند.
- افزایش خطر دور شدن از مطالب اصلی کلاس
- افزایش خطر بدرفتاری برخی فراگیران با هم گروهی ها و لزوم نظارت دقیق تر بر رفتار آنها
- افزایش خطر جاماندن از برنامه ی زمانی تعیین شده برای پوشش مطالب
- نیازمندی به امکانات و ابزارهای کمک آموزشی

آموزش گروه محور

یکی از روشهای نوین تدریس ، آموزش گروه محور در قالب گروه های کوچک است. به این روش در زبان بین المللی SGI مخفف عبارت Small Group Instruction گفته می شود. در آموزش گروه محور، نحوه تدریس معلم در کلاس به این صورت است که دانش آموزان یا فراگیران به گروه های کوچکتری تقسیم شده و مطالب جداگانه به گروه ها ارائه می شود. معیار دسته بندی افراد به گروه های کوچکتر نیز می تواند اشتراکات یا توانمندی های افراد باشد که در کنار یکدیگر، تکمیل یک فرآیند آموزشی یا انجام یک فعالیت خاص را محقق می کنند.

روش تدریس گروه محور، نسبت مدرس با فراگیران را کاهش داده و از این طریق در زمان و انرژی مدرس صرفه جویی می کند. در دنیای دیجیتال امروز، سوال بسیاری از افراد این است که چطور کلاس آنلاین برگزار کنیم؟ آموزش SGI می تواند به عنوان پاسخی برای این سوال نیز مطرح شود. بسیاری از نرم افزارهای آموزش آنلاین امکان تعریف اتاق های جداگانه در یک کلاس را فراهم می کنند. اتاق هایی که هریک می توانند ابزاری برای دسته بندی افراد برای به کارگیری تدریس SGI باشند.

مزایا و معایب تدریس گروه محور

از مهم ترین مزایای تدریس گروه محور به عنوان یکی از انواع روش تدریس مدرن می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- امکان تطبیق سطح درس و سطح علمی یا توانمندی های یادگیری هر گروه از فراگیران
- امکان نظارت دقیق تر بر روند پیشرفت هر گروه از فراگیران
- سازگاری با روش های تدریس مجازی
- افزایش تعاملات و مهارت های اجتماعی فراگیران
- امکان به کارگیری فنون تدریس متنوع متناسب با ویژگی های هر گروه از فراگیران

از معایب و چالش های این روش تدریس نیز موارد زیر هستند:

- امکان ایجاد فشار روانی بر روی هر دانش آموز به منظور ایفای نقشی که به او در گروه سپرده شده است.
- پیچیدگی بیشتر برنامه ریزی تحصیلی برای کل کلاس
- امکان ایجاد بار روانی برای فراگیران با توجه به هویت و مسئولیت گروهشان یا پروژه ای که به آنها سپرده شده است.
- دشواری بیشتر مدیریت کلاس

روش تدریس پروژه محور

یکی دیگر از انواع روش تدریس ، تدریس پروژه محور (Project-Based) است. در این روش، مطالب و مفاهیم در طول انجام یک پروژه و تقریباً به صورت عملی آموزش داده می شوند. مشارکت فراگیر نیز در این روش بالاست به طوریکه این روش را می توان

زیرمجموعه‌ی تدریس فراگیر محور قلمداد کرد. تدریس پروژه محور در دوره‌های آموزش عالی از مقطع فوق لیسانس به بالا بسیار کارآمد است.

شیوه پروژه محور، یکی از روشهای نوین تدریس محسوب می‌شود که طی آن یک پروژه‌ی بزرگ و نه کوچک و محدود به یک یا دو جلسه، تعریف می‌شود. این پروژه می‌تواند هفته‌ها یا حتی به‌اندازه‌ی یک ترم به طول بیانجامد. یکی دیگر از تفاوت‌های پروژه‌های تعریف‌شده در این روش نسبت به تدریس فراگیر محور یا گروه محور، عدم محدودیت آنها به کلاس است. فراگیران در این روش، عمدتاً پروژه‌ها و تحقیقات خود را در خارج از کلاس نیز دنبال و تکمیل می‌کنند.

مزایا و معایب تدریس پروژه محور

از مهم‌ترین مزایای روش تدریس پروژه محور می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- بهترین روش تدریس برای تقویت روحیه تحقیق و پرسشگری فراگیران
- تقویت مهارت‌های اجتماعی و کار گروهی
- توسعه محیط آموزش به خانه‌ها و بیرون از کلاس
- سازگاری عالی با آموزش آنلاین
- مهم‌ترین چالش‌های این روش نیز عبارتند از:
- امکان نیاز به تجهیزات و امکانات نسبتاً زیاد
- دشواری اجرا برای فراگیرانی که در خارج از کلاس، محدودیت زمانی دارند
- دشوارتر شدن مدیریت کلاس
- نیازمند به مهارت کار گروهی قبلی از سوی فراگیران

روش تدریس ترکیبی

روش تدریس ترکیبی (Blended) در واقع بر یادگیری ترکیبی تأکید دارد. در این روش، روش‌های سنتی تدریس با روش‌های مدرن مبتنی بر تکنولوژی مانند ارائه‌ی کنفرانس ترکیب می‌شوند. با شیوع بیماری کرونا، آموزش مجازی بیش‌ازپیش به‌طور جدی به‌عنوان یکی از انواع آموزش مطرح شد؛ اما مشکلات آن سبب شده است که بسیاری از موسسات آموزشی، ترجیح دهند آن را در ترکیب با آموزش سنتی با محیط‌های فیزیکی به‌کار بگیرند. از مهم‌ترین این چالش‌ها عبارتند از:

- کاهش ارتباط واقعی فراگیران با مدرس و نیز با یکدیگر
- کاهش فعالیت‌های فیزیکی و بدنی

- کاهش تمرکز بر توسعه‌ی مهارت‌های اجتماعی و فردی
- مشکلات تکنیکی آموزش آنلاین صرف مانند مشکل صدا در کلاس مجازی یا گوشی یا دیگر دستگاه‌ها
- در روش تدریس ترکیبی، ممکن است در کلاس حضوری، تجهیزات آموزش آنلاین نیز فراهم شده و یا برخی از کلاس‌ها آنلاین و برخی دیگر به صورت حضوری برگزار شوند. تلفیق این دو روش به انحاء دیگر نیز ممکن است.
- بیشتر بخوانید: بهترین روش تدریس آنلاین زبان انگلیسی کدام است؟

مزایا و معایب آموزش ترکیبی

از مهم‌ترین مزایای آموزش ترکیبی به عنوان یکی از روشهای نوین تدریس موارد زیر هستند:

- امکان به کارگیری فنون تدریس مختلف
 - بهترین روش تدریس برای کارمندان و موسسات خصوصی
 - بهره‌گیری از مزایای هر دو روش حضوری و مجازی
 - منعطف در برنامه‌ریزی زمانی و مکانی و سازگار با امکانات مختلف آموزشی
 - چالش‌های این شیوه‌ی تدریس را نیز می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:
 - دشواری و پیچیدگی طراحی دوره‌ی آموزشی و برنامه‌ریزی برای آن
 - نیازمند به نرم‌افزارهای مدیریت آموزش یا LMS سازگار با آموزش ترکیبی
 - افزایش هزینه‌ها با توجه به نیاز این روش به امکانات مورد نیاز برای آموزش حضوری و مجازی به طور هم‌زمان
- روش تدریس معکوس

یکی دیگر از انواع روش تدریس مدرن و خلاقانه، تدریس معکوس یا Flipped است. در این روش درواقع جای مدرس و فراگیر در ارائه‌ی مطلب عوض شده و نقش مدرس به مکمل، ناظر و مصحح تغییر پیدا می‌کند. در این روش، ارائه‌ی کنفرانس یک فعالیت اساسی و معمول است. به همین دلیل نیز تدریس معکوس با آموزش مجازی سازگاری بسیار خوبی داشته و با استفاده از انواع ابزار کلاس آنلاین مانند پلتفرم‌های آموزش آنلاین، می‌توان آن را به خوبی اجرا کرد.

حروف کلمه FLIP همچنین معرف چهار رکن اساسی روش تدریس معکوس هستند. این چهار رکن عبارتند از:

- Flexible Environment: محیط آموزشی انعطاف‌پذیر
- Learning Culture Shift: تغییر در فرهنگ یادگیری

• Intentional Content: محتوای هدفمند

• Professional Educator: مربی حرفه‌ای

مزایا و معایب تدریس معکوس

از مهم‌ترین مزایای تدریس معکوس به عنوان یک از روشهای نوین تدریس موارد زیر هستند:

- یادگیری فعال
- تقویت قوهی تفکر و تحلیل
- کاهش استرس فراگیران در مواجهه با مطالب آموزشی
- تقویت روحیهی تحقیق
- بهترین روش تدریس برای تقویت اعتماد به نفس فراگیران با ارائه‌ی مداوم کنفرانس
- افزایش جذابیت مشارکت در کلاس با پخش انواع فایل‌های ویدئویی، پاورپوینت و غیره
- تنظیم سرعت ارائه مطالب با توجه به سرعت یادگیری فراگیران
- از چالش‌های این روش نیز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
- دشواری تغییر فرهنگ یادگیری
- دشواری‌های اجرایی و نیاز به تجهیزات آموزش الکترونیک
- وابستگی به مهارت‌های ارائه‌ی مطلب فراگیران
- وابستگی زیاد به آمادگی پیش از کلاس فراگیران

متد تدریس مونته سوری

اگر به دنبال بهترین روش تدریس برای کودکان و خردسالان باشید حتما نام متد مونته سوری (Montessori) را شنیده‌اید. این روش که مبدع آن، ماریا مونته سوری (Maria Montessori) مربی کودکان ایتالیایی است، بر لذت و بهره‌ی کودک از فرآیند انجام یک فعالیت، بدون توجه به نتیجه‌ی آن توجه دارد. روش مونته سوری از سه عنصر زیر تشکیل می‌شود:

- قرارگیری گروه‌های سنی مختلف با حداکثر اختلاف سه سال در کنار هم
- قراردادن تعدادی فعالیت در اختیار فراگیران و امکان انتخاب آزادانه از میان آنها

- راهنمایی، نظارت و مداخله به موقع از سوی مربی

روش تدریس مونته سوری برای کودکان بین سه تا ۶ سال تدوین شده است. سنی که به اعتقاد مبدع آن، مهم ترین بازه ی زندگی انسان برای یادگیری و رشد توانمندی های بنیادی است. در این روش، کودک با قرار گرفتن در محیطی واقعی در مقابل محیط نسبتاً ساختگی و موقتی مدارس، مهارت های اساسی زندگی مانند تفکر، پشتکار و تمرکز را فرا می گیرد. باین حال باید دقت شود که با ارائه ی فعالیت های جذاب، فراگیران بتوانند همه ی مهارت های موردنظر را در خود تقویت کنند.

مزایا و معایب روش تدریس مونته سوری

مهم ترین مزایای شیوه تدریس مونته سوری عبارتند از:

- ایجاد انگیزه ی قوی برای شرکت در محیط آموزشی
- تقویت مهارت های فردی فراگیر
- امکان یادگیری از کودکان بزرگتر

مهم ترین چالش های این روش را نیز می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- هزینه نسبتاً گران برای مراکز آموزشی
- نیاز به دانش بالا در مورد این روش از سوی مربیان
- دشواری بیشتر کنترل کلاس
- نیاز به نظارت دقیق و همه جانبه بر تک تک فراگیران

منابع:

- استیگلر، جیمز؛ و هیبرت، جیمز (۱۳۸۳) شکاف آموزشی: بهترین ایده‌ها از بهترین معلمان جهان برای بهبود آموزش در کلاس درس. ترجمه: محمدرضا سرکارآرانی. تهران: مدرسه.
- امامی پور، سوزان؛ و شمس اسفند آباد، حسن (۱۳۸۶) سبکهای یادگیری و شناختی. تهران: سمت.
- بلوتین ژوزف، پاملا (۱۳۸۹) فرهنگهای برنامه درسی. ترجمه: مهر محمدی و دیگران. تهران: سمت. -
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۴) روان شناسی تربیتی: روان شناسی آموزش و یادگیری. تهران: ویرایش
- سیف، علی اکبر (۱۳۷۹) روان شناسی پرورشی: روان شناسی آموزش و یادگیری. تهران: انتشارات آگاه.
- سیف، علی اکبر؛ و امامی پور، سوزان (۱۳۸۲) بررسی سبکهای یادگیری در دانش آموزان و دانشجویان و رابطه آن با خلاقیت و پیشرفت تحصیلی. فصلنامه نوآوری آموزشی، (۵۰-۳۹)
- شریعتمداری، علی (۱۳۶۹) روان شناسی تربیتی. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۵) مبانی روان شناختی تربیت. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی